

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: مدتی پیش از شما سوالی پرسیدم در این باب که بتوانم خودم را در حضور ائمه درک کنم و ارتباطم را با آنها تقویت کنم و به معرفت حضور ایشان برسم. جواب شما در زمان خاصی به دستم رسید که آن را لطف و هدیه ی امام رئوف دیدم. کتاب مبانی نظری نبوت و امامت و حقیقت نوری اهل البیت را که فرمودید مطالعه کردم و سعی در ترک گناهان و عمل به واجبات و رعایت اخلاق دارم. با مطالعه حقیقت نوری اهل البیت حقایق خوبی را به وسع خود فهمیدم و تشکر می‌کنم اما حس می‌کنم از دنیایی گفتید که من آن را ندیده‌ام و فهم و درک من از کتاب اندک بود. من بیچاره حتی یک لحظه در خواب نیز هیچ امام معصومی را ندیده‌ام که این مطالب را تطبیق و تمرین و دید خود را اصلاح کنم. نمی‌دانم باید کتاب دیگری مطالعه کنم یا اگر تمرین عملی خاصی دارید که به چشمم کمک کند ممنون می‌شوم مرا راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! باید به ابعاد انسانیِ اولیای الهی و پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» نظر کرد آن هم به حکم آیه «فَأَلَّهَمَّهَا فَجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» کمال انسانی به درک الهام «فجور» و «تقوا» است و این‌که همواره این دو حالت به او الهام می‌شود تا از فجوری که او را از خودش و از خدا دور می‌کند، به سوی تقوایی سیر کند که او را به خود و خدا نزدیک می‌نماید و این با رعایت شریعت الهی ممکن است که انسان‌ترین انسان یعنی پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» مأمور ابلاغ آن است. آیا ممکن است پیامبر خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» به انسان و کمال انسانی نظر نداشته باشند و خداوند این‌چنین عمیق معنای انسان را با پیامبر خود و بدون مطالبه درونی رسولش با او در میان بگذارد؟ راستی را! رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» نسبت به انسان چگونه می‌اندیشیدند و به دنبال چه بودند که خداوند در جواب این وسیع‌ترین انسان، این آیات را به او وحی می‌فرماید تا در این زمانه که انسان خودش مسئله خود شده است، بتواند از طریق وحی الهی اصیل‌ترین جواب را دریافت کند؟ و این اصلی‌ترین سخن بنده است در نسبتی که می‌توان با اولیای الهی داشت یعنی نسبت بین انسانیتِ خودمان در نسبت عالی‌ترین افق‌های انسانی. امری که حتی امروز و فردا بیش از دیروزها بدان نیاز داریم و در جواب موضوعی که سؤال‌کننده شماره ۳۴۹۰۲ به میان آوردند، باز بر همین نکته تأکید شد. موفق باشید

